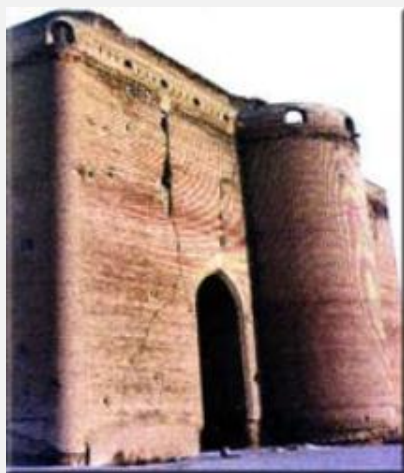


ارک تبریز



بنای ارک تبریز باقیمانده مسجدی است که در فاصله سالهای 716 الی 724 ه. ق، به وسیله تاج الدین علیشاه 1 وزیر اولجا یتو و ابوسعید بهدر خان ساخته شده است...

بنای ارک تبریز باقیمانده مسجدی است که در فاصله سالهای 716 الی 724 ه. ق، به وسیله تاج الدین علیشاه 1 وزیر اولجا یتو و ابوسعید بهدر خان ساخته شده است.

قسمت جنوبی آن دارای طاقی بزرگ بوده است که می نویسند به علت فرو نشستن بنیان و تعجیل در اتمام آن، طاق شکسته و فروریخته است. قسمتی که اکنون در وسط سه دیوار بلند شرقی و جنوبی و غربی به صورت ایوان به چشم می خورد قسمت مسجد بوده، عرض آن 30 / 15 متر و ارتفاع دیوارهای دور آن به طور متوسط 26 متر است که به وسیله 69 پله مس توان به بالای آنها رسید. عرض دیوارها 10 / 40 متر و داخل آنها مرکب از دو دیوار عریض مستحکم است که در چند مرحله به وسیله طاقهای متعدد به یکدیگر اتصال یافته اند (1).

توصیف این بنای چشم گیر بزرگ در اغلب سیاحتنامه ها و تواریخ و کتب مسالک و ممالک آمده است. ابن بطوطه می نویسد: «... این مسجد را وزیر علیشاه معروف به جیلان ساخته است. در بیرون آن از دست راست مدرسه و از دست چپ زاویه ای وجود دارد و صحن آن با سنگهای مرمر فرش گردیده و دیوارها با کاشی پوشانده شده است و جوی آبی از وسط آن می گذرد و انواع درختان و موها و یاسمین در آن به عمل آورده اند. هر روز بعد از نماز عصر در صحن این مسجد سوره های پس و فتح و عم را قرائت می کنند و مردم شهر برای شرکت در این قرائت در آن جا گرد می آیند (2)».

حمدالله مستوفی که معاصر با تاج الدین علیشاه بود در باره این مسجد می نویسد: تاج الدین علیشاه جیلانی در تبریز، در خارج محله نارمیان، مسجد جامع بزرگی ساخته که صحنش دویست و پنجاه گز در دویست گز است و در او صفه ای بزرگ، از ایوان کسری به مدائن بزرگتر، اما چون در عمارتش تعجیل کردند فرود آمد و در آن مسجد انواع تکلفات به تقدیم رسانده اند و سنگ مرمر بی قیاس در او به کار برده و شرح آن را زمان بسیار باید (3)».

بدرالدین محمود العینی صاحب کتاب «عقد الیمان فی تاریخ اهل الزمان (4)» با استفاده از گزارشی که یکی از همراهان با هوش سفیر سلطان الناصر مملوک پادشاه مصر (5)، در دربار سلطان ابو سعید بهادر خان، برای پادشاه مصر تهیه کرده بود، می نویسد: «در وسط صحن مسجد حوض مربعی بود که یکصد و پنجاه ذراع عرض و طول داشت.

سکویی در وسط آن بود که در هر سوی آن، از دهان مجسمه شیری آب فرو می ریخت، بالای سکو نیز فواره هشت گوشه بود که دو دهانه آب پراکنده داشت... طاق نوک تیز (جناغی) محراب به وسیله دو ستون مسی اندلسی نگاهداشته می شد و قباب محراب با طلا و نقره تزئین و نقاشی شده بود... چراغهای مزین به زر و سیم با زنجیرهای مسی از سقف آویزان بودند و داخل طاق را روشن می کردند... پنجره های مشبک نیز هر کدام بیست شیشه دایره ای مزین به طلا و نقره داشت (6)».

تاجر ونیزی که در حدود سال 886 ه. ق، سومین سال سلطنت سلطان یعقوب آق قویونلو از تبریز دیدن کرده می نویسد: «جامع علیشاه بلندترین بناهای تبریز و دارای صحن بزرگی است، در میان صحن حوضی دارد که چهار گوش است، درازا و پهنای آن هر کدام به اندازه صد قدم و ژرفایش شش پاست و پلکانی از کنار استخر به ایوان آن منتهی می شود... مسجد را به حدی زیبا ساخته اند که زبان من از وصف آن عاجز است، اما به هر حال می گویم تا با چند جمله حق مطلب را ادا کنم. این مسجد به غایت بزرگی است که وسط آن هرگز سر پوشیده نبوده است. در آن سمتی که معمولاً مسلمانان به نماز می ایستند شبستانی ساخته اند که طاقی دارد بسیار بلند، چنان که اگر کمانکشی تیری در کمان مناسی قرار دهد و رها کند هرگز به طاق آن شبستان نمی رسد، اما این بنا را تمام نکرده اند. دور آن را با سنگهای نفیسی طاق بندی کرده اند و طاق بروی ستونهایی از مرمر قرار دارد و مرمر به اندازه ای ظریف و شفاف است که به بلور نفیس می ماند. تمامی این ستونها به یک اندازه و یک ارتفاع و ضخامت است، بلندی هر ستونی نزدیک به پنج یا شش گام است. این مسجد سه در دارد که از آنها فقط دو تا به کار می رود، هر دری طاقی دارد به عرض نزدیک چهار پا و بلندی بیست پا. ستونهای دو سوی درها از سنگ مرمر نیست بلکه از سنگهایی به الوان گوناگون ساخته شده است، بقیه طاق با گچ مقرنس کاری تزئین شده است (7)».

در هر درگاه لوحه مرمرین شفاف نصب گردیده که از مسافت یک میل به چشم می خورد، دری که باز و بسته می شود سه یارد عرض و پنج یارد بلندی دارد و از الوار بزرگ تهیه شده و روی آن قطعات برنز صیقلی و مطلا کوبیده شده است (8)».

کاتب چلبی در تاریخ جهان نما فقط بزرگی و عظمت بنای مسجد علیشاه را می ستاید و اشاره می کند که ویرانی بر آن راه یافته است (9)، شاردن نیز در باره این بنا همین نظر را ابراز داشته و نوشته: مسجد علیشاه تقریباً ویرانه است، فقط قسمتهای جنوبی آن که مخصوص ادای نماز است مرمت شده، مناره آن بسیار بلند است و مسافران که از ایوان به تبریز می روند قبل از ورود به شهر، از دور بنای عظیم جامع علیشاه نظر آنان را جلب می کند (10)».

تصویری نیز از تبریز و مسجد علیشاه ترسیم نموده است، دیگران هم بعد از اینان از تبریز دیدن کرده اند چنین توصیفی نموده اند و هیچیک نامی از کاشی و مرمر بی قیاسی که در تزئین نخستین این مسجد به کار رفته بود نبرده است، فقط نادر میرزا در تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز نوشته: «در سال 1298 ه. ق، در یک طرف این بنا که می خواستند برای نگهداری غلات دیوانی انباری بسازند در عمق چهار ذرع ستونی از رخام پیدا شد که یک ذرع و نیم قطر و سه ذرع و نیم ارتفاع داشت. من و وکیل الرعایا نیز به چشم خود آنرا دیدیم... داستانی هم روایت کرده که: «در روزگار نایب السلطنه زن بد کاره ای محکوم به اعدام شد، بر فراز ارک بردند و به زمین انداختند، باد در جامه های او افتاد و به سلامت به زمین رسید، ولوله ای در بین مردم افتاد، جامه های زن را به پایش بستند و دو باره از بالا به زمین افکندند، استخوانهایش خرد شد و قالب تهی

در حفريات تازه‌هاي هم كه اخيراً از طرف ادارهء كل فرهنگ و هنر آذربايجان شرقي و سازمان حفاظت آثار باستاني جهت شناسائي دقيق بنا به عمل آمد چند قطعه ستون سنگي حجاري شده، پيدا شد، گر چه قسمت اعظم مصالح ساختماني فرو ريخته اين بنا در زمانهاي مختلف مخصوصاً هنگام بناي قلعه ريع رشيدى در زمان صفويه و بناي انبار غلات و مهمات در زمان قاجاريه مصرف گرديده و از بين رفته است ولي باز احتمال پيدا شدن نمونه هائي از كاشيها و مرمر هاي تزئيني بنا، در زير خاك زمينهاي حوالى جامع بعيد به نظر نمي رسد.

پي نوشت:

- 1- معماری اسلامی در دوره ایلخانان، دونالد ن. ویلبر، ترجمهء دکتر عبدالله فریار، ص 159، تهران
- 2- رحله ابن بطوطه، ص 233، بيروت 1964 م.
- 3- نزهت القلوب، ص 87، تهران 1336 ش.
- 4- امام بدرالدین محمود بن احمد عینی، مؤلف کتاب مزبور از مشاهیر علما و فقهای حنیفه بوده و سالها در مصر کار قضا داشته و در قرب جامع الازهر مدرسه و کتابخانه ای بنا کرده است. وفات وی را کاتب چلبی و شمس الدین سامی 855 ه. ق، نوشته اند. کشف الضنون، ج 2 ستون 1098، 1150، قاموس الاعلام، ج 2، ص 1255 نوشته صاحب عقداالجمان در باره علیشاه به وسیله تیزن هارون ترجمه شده است: ص 8- 114،
- 5- مملوک که جمع آن ممالیک می باشد به معنی غلام است، این کلمه را بیشتر در مورد غلامان سفید پوست به کار می برده اند، ممالیک مصر از غلامان ترک و چرکس بودند که در ابتدا جزو قراولان مزدورالملک الصالح نجم الدین ایوب سلطان مصر بودند اما از 649 تا 784 ه. ق، در کشور مصر سلطنت کردند. ناصرالدین محمد ملقب به سلطان الناصر یکی از معروفترین سلاطین مصر است که سه بار به تخت نشست و با ایلخانان مقول گاهی از در دوستی و آشتی در آمده و گاهی رقابت و دشمنی کرده است.(مستفاد از طبقات سلاطین اسلام، ص 70- 73 و قاموس الاعلام، ج 2، ص 1245 و ج 6، ص 4545).
- 6- نقل به تلخیص از تاریخ تبریز، پروفیسور مینورسکی، ترجمهء کارنگ، ص 82- 83،
- تبریز 1337 ش، معماری اسلامی ایران، ویلبر، ترجمهء دکتر فریار، ص 158- 159، تهران 1346 ش.
- 7- نقل به تلخیص از جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران، آذربایجان از نظر جهانگردان، ترجمهء ابوالقاسم طاهری، ص 82- 83، تهران 1347 ش.
- 8- نقل به تلخیص از معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، تألیف ویلبر، ترجمهء دکتر عبدالله فریار، ص 161، تهران 1346 ش. ویلبر می نویسد: «ممکن است این درگاهها همه در دیوار چپ در جلو، یعنی انتهای باز ایوان قرار داشته اند.»
- 9- مقالهء تبریز، مندرج در مجلهء معلم امروز، شمارهء 5، تبریز 1335 ش.
- 10- سفر نامهء شاردن، ج 2، ص 404، تهران 1335 ش.
- 11- ص 107، چاپ تهران 1323 ه. ق.

منبع:

نقل از آثار باستانی آذربایجان